



**چنگ در چشمان دشمن، زانوان بر سینه‌اش!
نوشته‌ی: رزا لوکزامبورگ**

ترجمه‌ی: کمال خسروی

چنگ در چشمان دشمن، زانوان بر سینه‌اش!

نوشته‌ی: رزا لوکزامبورگ

ترجمه‌ی: کمال خسروی

نقد ژانویه ۱۴، ۲۰۲۰

یادداشت مترجم: امروز، پانزدهم ژانویه، صدمین سالگرد قتل جبوانه‌ی رزا لوکزامبورگ و کارل لیکنشت به‌دستان آلوده‌ی اوباش فاشیست و گماشتگان سرمایه و رژیم ستم و سرکوب و شکنجه است. به‌یاد این انقلابیون رزمنده و آزادیخواه، ترجمه‌ی **بند پنجم** از نوشته‌ی رزا لوکزامبورگ زیر عنوان «**آنچه اتحاد اسپارتاکوس می‌خواهد**» را، که نخستین بار به‌عنوان پیش‌نویس برنامه‌ی حزب کمونیست آلمان در سال ۱۹۱۸ در نشریه‌ی «پرچم سرخ» انتشار یافت، به خوانندگان «نقد» تقدیم می‌کنم.

شعار و عنوان بالا که جمله‌ی پایانی برنامه‌ی **اتحاد اسپارتاکوس** است، کمتر در گفتاوردها از رزا لوکزامبورگ دیده می‌شود. آوازه‌ی رزا لوکزامبورگ، پای‌بندی استوار اوست به آزادی و به جدایی‌ناپذیری دمکراسی و سوسیالیسم، به دفاع جانانه‌اش، به معنای دقیق کلمه، از آزادی اندیشه‌وبیان دگراندیشان. پنداشته

می‌شود، این جمله فراخوانی است به خشونت علیه دشمنان، و سازگار نیست با آوازه‌ی او. به نظر من، این جمله، تنها سازش‌ناپذیری سرسختانه و دلیرانه‌ی زنی است آزادیخواه در مبارزه علیه روابط سلطه و استثمار و عزم راسخ او برای درهم‌شکستن بازگشت‌ناپذیر سازوکار اجتماعی مبتنی بر سلطه و استثمار و به زانودرآوردن قدرت سیاسی بانی و پاسدار آن. نه تنها ناسازگاری و تناقضی میان این دو خواسته نیست، بلکه تنها در هم آوایی و توأمانی آنهاست که می‌توان از سقوط به پرتگاه‌های دیکتاتوری حزبی از یک‌سو و مماشات و سازش‌طلبی با حاکمیت ستم و استثمار و ایدئولوژی بورژوازی، از سوی دیگر، پرهیز کرد. (ک.خ.)

V

اتحاد اسپاتاکوس، از آنجا که هشداردهنده است، از آنجا که خواستار پی‌گیر و وجدان سوسیالیستی انقلاب است، آماج نفرت، پی‌گرد و هرزه‌درایی دشمنان آشکار و نهان انقلاب و پرولتاریاست.

مصلوبش کنید! فریاد می‌زنند سرمایه‌دارانی که از هراس از کف رفتن خزانه‌هایشان بر خود می‌لرزند.

مصلوبش کنید! فریاد می‌زنند خرده‌بورژواها، افسران، سامی‌ستیزان، همانا ریزه‌خواران و گماشتگان بورژوازی، که از هراس از کف رفتن دیگچه و نواله‌شان در پناه سلطه‌ی طبقاتی بورژوازی بر خود می‌لرزند.

مصلوبش کنید! فریاد می‌زنند شایدمان‌هایی که همچون یهودای اسخریوطی کارگران را به بورژوازی فروخته‌اند و از هراس از کف رفتن پشیزی که بهای سلطه‌ی سیاسی‌شان است، بر خود می‌لرزند.

مصلوبش کنید! تکرار می‌کنند پژواک‌وار این فریادها را، کارگران و سربازان فریب‌خورده، خیانت‌شده و به بدسگالی دچارآمده‌ای که نمی‌دانند خشم‌شان علیه **اتحاد اسپارتاکوس**، بیشتر خشمی است در گوشت و خون خویش.

در نفرت، در هرزه‌درایی علیه **اتحاد اسپارتاکوس**، متحد شده است همه‌ی آنچه ضد انقلابی است، دشمن مردم است، ضد سوسیالیست است، عاری از صراحت، گریزان از روشنایی و تیره و تار است. چنین است که آشکار می‌شود در اوست، [در **اتحاد اسپارتاکوس** است] که قلب انقلاب می‌تپد، که آینده از آن اوست.

اتحاد اسپارتاکوس حزبی نیست که بخواهد از فراز توده‌ی کارگران یا به دستاویز آنان به حکومت برسد. اتحاد اسپارتاکوس فقط بخش آگاه‌به‌هدف پرولتاریاست که وظایف تاریخی را در هر گام توده‌ی عظیم پرولتاریا در کل گسترده‌اش، یادآور می‌شود؛ بخشی از پرولتاریاست که در هر مرحله‌ی معین از انقلاب، هدف سوسیالیستی نهایی را، و در همه‌ی مسائل ملی، منافع انقلاب جهانی پرولتاریایی را نمایندگی می‌کند.

اتحاد اسپارتاکوس مشارکت در حکومت و هم‌کاسه‌گی با گماردگان بورژوازی، شایدمان - اِبرت، را رد می‌کند، زیرا در چنین همکاری‌ای، خیانت به اصول بنیادین سوسیالیسم، نیرومندسازی ضد انقلاب و فلج کردن انقلاب را می‌بیند.

اتحاد اسپارتاکوس همچنین به‌دست‌گرفتن قدرت را رد می‌کند، آن هم نه تنها از این رو که شایدمان - اِبرت ورشکست شده‌اند و مستقل‌ها در همکاری با آنها به آخر خط و بن‌بست رسیده‌اند [و قدرت سهل‌الوصول شده است].

اتحاد اسپارتاکوس هرگز و به هیچ شیوهی دیگر عنان قدرت دولتی را بدست نخواهد گرفت مگر از طریق اراده‌ی آشکار و بی‌اما و اگر اکثریت عظیم توده‌ی پرولتاریا در آلمان، نه هرگز به شیوهی دیگری جز به اعتبار و با تأیید آگاهانه‌ی پرولتاریا نسبت به دیدگاه‌ها، هدف‌ها و شیوه‌های مبارزاتی **اتحاد اسپارتاکوس**. انقلاب پرولتری تنها می‌تواند مرحله به مرحله، گام به گام، از مسیر جُلجَتای تجربیات تلخ خویش و از مجرای شکست‌ها و پیروزی‌ها به روشنایی و روشن‌بینی کامل و بلوغ دست یابد.

پیروزی **اتحاد اسپارتاکوس** در آغاز انقلاب نیست، در انتهای آن است، پیروزی **اتحاد اسپارتاکوس** همانا پیروزی توده‌های میلیونی و انبوه پرولتاریای سوسیالیست است.

پیا خیز، پرولتاریا! پیش به سوی نبرد. در این واپسین مبارزه‌ی طبقاتی تاریخ جهان بر سر والاترین هدف‌های بشریت، سخن یکی است و بس: چنگ بر چشمان دشمن، زانوان بر سینه‌اش!

* منبع: این نوشته نخستین بار در شماره‌ی ۲۹ نشریه‌ی «پرچم سرخ» (در برلین) به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۱۸ زیر عنوان «Was will der Spartakusbund?» منتشر شده است.
برگرفته از:

<https://www.marxists.org/deutsch/archiv/luxemburg/۱۹۱۸/۱۲/waswill.htm>

لینک کوتاه شده در سایت «نقد»:

<https://wp.me/p۹vUft-H۵>

برگرفته از سایت نقد

